

نیو غ مالی

شاخصه‌های هوش مالی بالا

مؤلف: محمود مرادی

با پیشگفتاری از: دکتر محمد آریین اکبری
مدرس دانشگاه و بنیانگذار تئوری ژنتیک موفقیت

سرشناسه: مرادی، محمود، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: نبوغ مالی / مولف محمود مرادی؛ با پیشگفتاری از دکتر محمد آرین اکبری.

ویراستاران احمد آخوندی، محسن جاوید مؤید.

مشخصات نشر: تهران: بهار سبز، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۲۹-۴۰۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: امور مالی شخصی - استعداد- مسائل پولی

موضوع: Finance, Personal - Ability - Currency Question

شناسه افزوده: آخوندی، احمد، ۱۳۴۱-، ویراستار

شناسه افزوده: جاوید مؤید، محسن، ۱۳۶۱-، ویراستار

رده بندی کنگره: HG۱۷۹

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۰۲۴۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۸۰۸۳



نبوغ مالی

محمود مرادی

ویراستار: احمد آخوندی-محسن جاوید مؤید
طراح روی جلد: مهدی انوشیروانی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرانقش

چاپ و صحافی: ناژو

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۲۹-۴۰۳

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری شرقی پلاک ۸۸ واحد ۸

تلفن سفارشات: ۰۹۳۴۸۶۴۳۸۶۱ و ۰۲۱-۸۶۰۷۲۷۹۹

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۱..... پیشگفتار

۱۷..... مقدمه

۳۳..... فصل اول: تأثیر هوش مالی بر روی عملکرد افراد

۳۵..... شاخصه‌ی طلایی اول: هوش مالی بالا (اصل هوشمندی)

۴۷..... شاخصه‌ی طلایی دوم: مهندسی خوب داشته‌ها (اصل سرمایه‌گذاری فردی)

۵۳..... شاخصه‌ی طلایی سوم: مهارت و هنر یادگیری بالا (اصل آموزش)

۶۷..... شاخصه‌ی طلایی چهارم: عشق و علاقه‌ی بالا در کار (اصل اشتیاق)

۷۳..... شاخصه‌ی طلایی پنجم: اعتماد به نفس و عزت نفس بالا (اصل عزت‌مندی)

۸۱..... شاخصه‌ی طلایی ششم: لیاقت و شایستگی بالا (اصل قدرت و لیاقت)

۸۹..... شاخصه‌ی طلایی هفتم: هوش خانوادگی خوب (اصل تربیت مالی)

۱۰۱..... شاخصه‌ی طلایی هشتم: هوش سازمانی خوب (اصل مدیریت)

۱۲۳..... شاخصه‌ی طلایی نهم: هوش سیاسی خوب (اصل سیاستمداری)

۱۴۰..... خلاصه‌ی فصل اول: (تأثیرات هوش مالی بر روی عملکرد افراد)

۱۴۳..... فصل دوم: نگرش عالی و فرماندهی بر مغز ثروت‌ساز

۱۴۷..... شاخصه‌ی طلایی دهم: نگرش مالی خوب (اصل نگرش عالی)

- شاخصه‌ی طلایی یازدهم: تفکر مثبت خلاق (خلق موقعیتهای بهتر) ۱۵۷
- شاخصه‌ی طلایی دوازدهم: تسلط خوب بر مغز ثروت ساز (شناخت بهتر از مغز و اجزای آن) ۱۷۳
- شاخصه‌ی طلایی سیزدهم: شکارچی فرصتهای مالی خوب (اصل الهام گیری) ۱۹۳
- شاخصه‌ی طلایی چهاردهم: هوش طبیعت گرای بالا (اصل فراوانی و چشم انداز مالی خوب) ۲۰۱
- شاخصه‌ی طلایی پانزدهم: هوش درون فردی بالا (نحوه‌ی مقابله با موانع مالی) ۲۰۹
- شاخصه‌ی طلایی شانزدهم: هوش اجتماعی بالا (اصل تیزهوشی) ۲۲۳
- خلاصه‌ی فصل ۸: ارزش عالی و فرماندهی بر مغز ثروت ساز ۲۳۷
- فصل سوم: روانشناسی موفقیت ر ناکی افراد ۲۴۱
- شاخصه‌ی طلایی هفدهم: هوش منطقی و ریاضی خوب (اصل دقت و توجه و روانشناسی اشتباهات مالی) ۲۴۵
- شاخصه‌ی طلایی هجدهم: روانشناس مال خوب (روانشناسی ترس، شکست و موفقیت‌های مالی) ۲۶۱
- شاخصه‌ی طلایی نوزدهم: اصل قانونمندی (آشنایی با قوانین و مقررات مالی و رسیدن به پختگی مالی) ۲۷۷
- شاخصه‌ی طلایی بیستم: اصل پارکینسون (مدیریت خوب درآمد و هزینه‌ها) ۲۸۹
- شاخصه‌ی طلایی بیست و یکم: اصل علت و معلول (آشنایی با هرم هوش مالی) ۲۹۷
- شاخصه‌ی طلایی بیست و دوم: عادات مالی خوب (اصل پشتوانه سازی مالی) ۳۰۹
- شاخصه‌ی طلایی بیست و سوم: نقش تأثیرگذاری بالا (هفت عادت مردان موثر) ۳۲۱

شاخصه‌ی طلایی بیست و چهارم: انضباط مالی و کاری خوب (اصل انضباط شخصی).....	۳۳۱
شاخصه‌ی طلایی بیست و پنجم: سلیق مالی خوب (روانشناسی عادات و سلیقه‌ها).....	۳۴۱
خلاصه‌ی فصل سوم: (روانشناسی موفقیت و ناکامی افراد).....	۳۴۶
فهرست منابع.....	۳۴۹

پیشگفتار

همیشه الگوبرداری از افراد موفق روشی مؤثر در بالابردن احتمال موفقیت بوده است. موفقیت یک موضوع سببی بوده و برای هر کس تعریفی دارد. یک نگاه به موفقیت می‌تواند از جنبه‌ی رشد و تعالی انسان باشد. موفقیت می‌تواند در زمینه‌ی علمی، مالی، ورزشی، هنری و غیره باشد.

جنبه‌ی دیگر موفقیت می‌تواند موفقیت در یک موضوع خاص بین خود شخص با شخص دیگر باشد، و یا بررسی اینکه نسبت یک فرد نسبت به خودش چقدر بوده است. یعنی ممکن است کسی نسبت به دیگران موفق نباشد ولی نسبت به خود و امکانات خود فرد موفق محسوب شود، و بالعکس یک فرد می‌تواند نسبت به دیگران موفق باشد ولی نسبت به خود و امکانات و استعدادهایش چندان موفق نباشد.

یک فرد می‌تواند در زمینه‌ی هنری موفق ولی در زمینه مالی موفق نباشد و ... بنابراین با این نگاه به موفقیت می‌توانیم همه‌ی انسانها را به نوعی رتبه‌بندی یا همه‌ی آنها را موفق ندانیم. پس تعریف واحدی برای موفقیت وجود ندارد.

محوریت این کتاب بر اساس موفقیت‌های مالی تنظیم شده است. توافق به موفقیت بیشتر از زوایای مالی و کسب ثروت نگاه کرده است. زمانی که کتاب به دست من رسید و ورق زدم نکته‌ی جالب در مورد این کتاب این بود که نمونه‌های موفق خارجی و داخلی را کنار هم قرار داده بود، و نکته‌ی دیگر اینکه آموزشهای موفقیت در زمینه‌ی مالی را از زندگی هر یک از افراد موفق استخراج کرده و به صورت واقعی نشان داده بود. شاید وجه تمایز این کتاب با کتب دیگر باشد.

موفقیت یک مبحث مالی فاکتوریال (چندعاملی) است، یعنی اینکه اگر حتی فرض کنیم که به تعریف واحدی در موفقیت رسیده ایم، باید بدانیم همان تعریف نیز، تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد. استعدادهای ژنتیکی، موقعیت اجتماعی والدین، موقعیت محل

زندگی، دایره‌ی دوستان، نگرشی که در خانواده وجود دارد، نگرشی که فرد از طریق فضای مجازی می‌گیرد، امکانات اولیه، تصادف و شانس مثل اتفاقات غیر مترقبه که مسیر زندگی را به سمت پیشرفت یا پسرفت سوق می‌دهند و ... جزو عوامل مؤثر در موفقیت هر فرد هستند. در برخی از این عوامل فرد هیچ نقشی نداشته و دخالتی ندارد ولی برخی از آنها در حوزه‌ی اختیارات فرد می‌باشد (که البته در این قسمت هم تا حدودی جبر حاکم است). افراد تنها با تغییر متغیرهایی که در آنها اختیار دارند می‌توانند شانس موفقیت را در خود بالاتر ببرند. همچنین واکنش‌های افراد نسبت به حوادث غیر مترقبه نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت هر فرد دارد. مثلاً زمانی که در زندگی یک نفر اتفاقی غیر مترقبه و بسیار بد رخ می‌دهد، همین اتفاق با یک برخورد درست و منطقی می‌تواند یک فرصت برای فرد موفق ایجاد کند. قبلاً اثری از این فرصت نبود.

یکی از عوامل بسیار مهم در این زمینه استفاده از تجربیات موفق گذشته می‌باشد که احتمال وقوع پیش‌امدهای مرفق را برای هر فرد بالاتر می‌برد. در واقع بسیاری از مسیرهایی که منجر به شکست می‌شوند، می‌تواند از زبان افراد باتجربه شنیده و دیگر پا در آن مسیرها نگذارد.

هر اندازه استفاده‌ی افراد از این تجربیات بیشتر باشد، مسیرهای منجر به شکست بیشتر و مسیرهای منجر به پیروزی بیشتری را از قبل می‌شناسد و بنابراین وقت و انرژی کمتری را صرف خسارات ناشی از اشتباهات خواهد پرداخت.

زندگی افراد موفق پر است از فراز و نشیب‌هایی که آنها دانسته یا ندانسته در آنها قرار گرفته‌اند و امروز می‌تواند این دانسته‌ها چراغ راه افراد باشد. کسانی که دوست دارند موفق باشند، بسیاری از افراد موفقیت را با خوشبختی اشتباه می‌گیرند، و این فکر می‌کند که موفقیت یعنی خوشبختی و این خود یک نگاه اشتباه می‌باشد.

در واقع این افراد اگر نتوانند در حال حاضر احساس خوشبختی کنند باید به آنها گفت که رستبور (گیرنده) خوشبختی را ندارند (من این را به گیرنده سبیه می‌کنم) و تفاوتی ندارد که موفق باشند یا نباشند. در حالی که خوشبختی یک احساس درونی است نه فرد از همه‌ی داشته‌هایش احساس خوبی دارد. خوشبختی با نگاه بیرونی متفاوت است. فردی شاید از نظر اجتماع فرد موفق نباشد ولی از نظر درونی خود احساس خوشبختی کند و برعکس، بسیاری از افراد هستند که از نظر دیگران بسیار موفق هستند ولی حس خوشبختی را ندارند؛ آموزش این موارد یعنی اصل زندگی. باید به یاد داشته باشید که این کتاب شاید تنها دیدگاهی از نظر موفقیت مالی به شما بدهد ولی باید بدانید که این همه چیز نیست. داشتن نگاهی چندبعدی به زندگی می‌تواند حس واقعی خوشبختی همراه با موفقیت را به همراه داشته باشد. هر چند اگر کامل بخواهیم در این باب وارد شویم خود مثنوی هزار من است. یک نکته‌ی جالب در مرور زندگی افراد موفق، جدا از مسیرهای متفاوتی که

آنها طی کرده اند، این است که آنها دارای یک سری ویژگیهای مشترک هستند. من در اینجا طبق تجربیات خودم به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنم:

(۱) افراد موفق افراد قانعی نیستند. این بدین مفهوم نیست که طمع کار هستند. این افراد هرگز به کم قانع نیستند و گویا یک باری که فرصت زندگی دارند، دوست دارند به بالاترین جایگاهها در زندگی خود برسند، یا بهتر بگوییم نهایت استفاده را از پتانسیلهای درونی خود داشته باشند.

(۲) افراد موفق داشته‌های حال خود را فدای دستاوردهای آینده می‌کنند. نه به این معنی که به حال خود را از بین می‌برند، در واقع آنها در حالی که زندگی در حال را دارند بسیاری از رفت خود را صرف آینده می‌کنند، هر چند برخی از آنها ممکن است خوشبختی را فدای موفقیت کنند. بنابراین در اینجا ما فقط در مورد افراد موفق صحبت می‌کنیم نه افراد خوشبخت. ولی این به این معنی نیست که راهی برای این مسئله وجود ندارد.

(۳) افراد موفق ریسک‌پذیرند. ریسک‌پذیری را باختن نمی‌دانند، آنها از دست‌دادهای امروز را سرمایه‌گذاری آینده می‌دانند. در واقع ترس از باخت ندارند. این یک نگرش است که شاید افراد دیگر درکی از آن نداشته باشند و شاید از برخی هزینه‌هایی که افراد موفق انجام می‌دهند تعجب کنند!

(۴) افراد موفق برای پول کار نمی‌کنند، در واقع پول هست که برای آنها کار می‌کند. آنها همیشه از پول برای پول برای کمتر کار کردن خودشان استفاده می‌کنند.

(۵) افراد موفق ساعات بیشتری از دیگران فکر می‌کنند. شاید به ظاهر کمتر کار فیزیکی کنند، ولی در عمل بیشتر انرژی آنها صرف فکر کردن می‌شود.

(۶) افراد موفق شکست را جزوی از پروسه موفقیت می‌دانند. آنها یک چیز جدا نمی‌دانند. آنها می‌دانند که مسیر موفقیت پر است از دست‌اندرها که باید آنها را رد کنند و قویتر شوند.

(۷) افراد موفق روحیه‌ی مبارزه‌طلبی و جنگجویی و رقابت دارند. در واقع از به قیاب بودن خوشحال نمی‌شوند. درک این مسئله کمی مشکل است. مثل شریک باری که وقتی حریفش ضعیف باشد انگیزه‌ای برای بازی ندارد. آنها به زندگی مثل یک ورزش و تفریح نگاه می‌کنند.

(۸) افراد موفق جسارت بالایی دارند. همیشه بدانید که ثروت پشت دیوار جسارت و لیاقت قرار دارند. هر اندازه که جرأت از دست‌دادن دارید به همان اندازه لیاقت به دست آوردن دارید.

(۹) افراد موفق از فرمولهای خاصی برای زندگی خود استفاده می‌کنند.

(۱۰) افراد موفق وقت را بسیار غنیمت می‌شمردند و نهایت استفاده را از آن دارند.

(۱۱) افراد موفق دائم در حال یادگیری و آموزش هستند و هر اندازه که بیشتر موفق می‌شوند،

نیاز به آموزش را در خود بیشتر احساس می‌کنند، بر خلاف آدمهای ناموفق که همیشه فکر می‌کنند همه چیز می‌دانند.

۱۲) افراد موفق احساس بازنشستگی ندارند. شاید در عمل بازنشسته باشند و نیاز به کار نداشته باشند، ولی کار برای آنها مثل یک اعتیاد و تفریح می‌باشد.

۱۳) افراد موفق برای روابط ارزش زیادی قائل هستند و همیشه روابط خود را با افراد موفق دیگر حفظ می‌کنند. در واقع این افراد به مسئله‌ی مهم روابط و دایره‌ی دوستان و تأثیر آن در موفقیت پی برده‌اند.

۱۴) افراد موفق دائماً در حال بروز شدن هستند، آنها جدیدترین اطلاعات و تکنولوژی را رودتر از سایر رقبا در کارشان استفاده می‌کنند.

۱۵) افراد موفق معمولاً (نه همیشه) ترسی از در اختیار گذاشتن اطلاعاتشان و صحبت برای بگران شدن دارند.

۱۶) افراد موفق نقش کار درست بلد هستند. در واقع در مجموعه‌های آنها افرادی نابغه مشغول کار هستند. در واقع افراد موفق یاد گرفته‌اند که نیازی نیست همیشه در همه کار خودشان دخالت کنند.

۱۷) افراد موفق معمولاً (نه همیشه) برنامه‌ریزی‌های روزانه دارند. یعنی از شب قبل یا روزهای قبل برنامه‌های خود را می‌دانند.

۱۸) افراد موفق همچنان که بزرگتر می‌شوند و میزان پیشنهادهای آنها بیشتر می‌شود، "بله گفتن‌های آنها کمتر می‌شود."

۱۹) افراد موفق وقتی را برای لذت و تفریح، سلاست و به خود قرار می‌دهند (معمولاً و نه همه‌ی آنها). این افراد موفق همان‌هایی هستند که موفقیتی را هم به همراه خود دارند.

۲۰) افراد موفق به تحدیدها مثل یک فرصت نگاه می‌کنند. این افراد به تلاش عموم جامعه وقتی یک اتفاق به ظاهر ناگوار رخ می‌دهد، اولین سؤالشان این است که چگونه می‌توان بهترین بهره‌وری را از این اتفاق داشت.

اینها بخشی از مهمترین ویژگیهایی بود که بنده به نظرم نیاز بود که به صورت خلاصه برایتان بگویم. در نهایت از جناب آقای مرادی نویسنده‌ی این کتاب تشکر می‌کنم که از بنده خواستند برای این کتاب پیشگفتاری بنویسم و همچنین در یکی از فصلهای این کتاب گوشه‌ای از زندگی پر فراز و نشیب بنده را به تصویر کشیدند.

محمد آرین اکبری